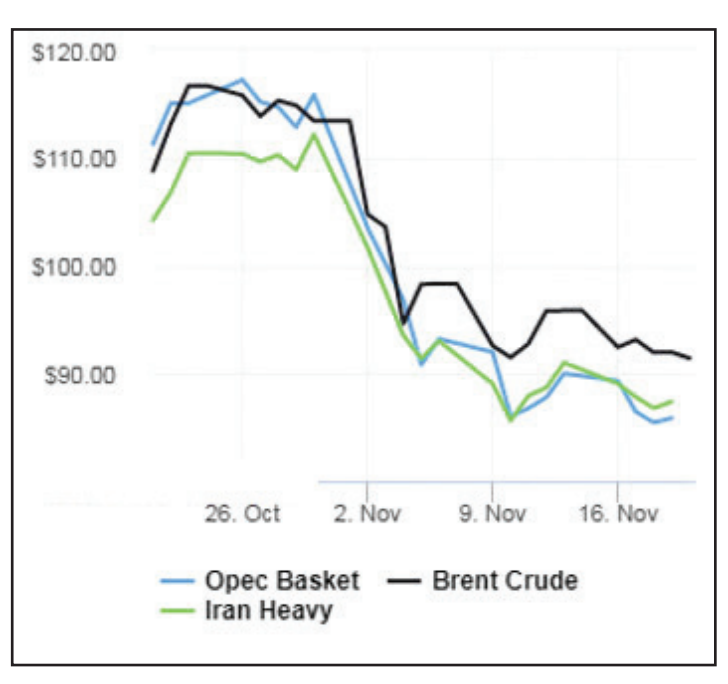
تحلیل

افزایش ملایم قیمت نفت در بازار جهانی



قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی، باافزایش نگرانی‌ها نسبت به اختلال در عرضه، اندکی افزایش یافت، اما در آستانه ثبت کاهش هفتگی قرار گرفت. به گزارش ایسنا، قیمت معاملات آتی نفت خام برنت با ۲۴ سنت معادل ۰.۳ درصد افزایش، به ۹۲ دلار و ۲۲ سنت در هر بشکه رسید. قیمت معاملات آتی نفت خام «وِست تگزاس اینترمدیت» (WTI) امریکا برای تحویلِ در دسامبر نیز ۱۹ سنت معادل ۰.۲ درصد افزایش یافت و به ۸۳ دلار و ۴۰ سنت در هر بشکه رسید. قرارداد ژانویه این شاخص که حجم معاملات بیشتری دارد، با ۲۰ سنت معادل ۰.۲ درصد افزایش، به قیمت ۸۲ دلار و ۶۴ سنت معامله شد. روز پنجشنبه، قیمت هر دو شاخص نفتی تغییر چندانی نداشت، اما اکنون نفت برنت در مسیر ثبت کاهش هفتگی ۳.۵ درصدی و قرارداد دسامبر نفت «وِست تگزاس اینترمدیت» در مسیر افت هفتگی ۶ درصدی قرار دارند که سومین کاهش هفتگی متوالی هر دو شاخص خواهد بود. ساتورو یوشیدا، تحلیلگر بازار کالا در شرکت کارگزاری «راکوتن سکیوریتیز» گفت: «نگرانی‌ها در مورد عرضه نفت خام خاورمیانه، به دنبال حملات نیروهای مسلح یمن به ریاض، دوباره قوت گرفته و به افزایش تقاضای خرید منجر شده است.» او افزود: «انتظار می‌رود که در نشست گروه اوپک پلاس که اواخر این ماه برگزار می‌شود، توافق بر سر کاهش هماهنگ تولید نفت ادامه یابد و این خود عاملی برای حمایت از قیمت‌هاست.» وزرای گروه اوپک پلاس در تاریخ ۲۹ نوامبر (یکشنبه هشتم آذر) مجموعه‌ای از نشست‌ها را برگزار خواهند کرد تا در مورد سیاست تولید خود برای سال ۲۰۲۷ تصمیم‌گیری کنند. این گروه شامل اعضای «سازمان کشورهای صادرکننده نفت» (اوپک) ومتحدانی همچون روسیه است. آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) روز پنجشنبه اعلام کرد که مناقشه در خاورمیانه موجب بزرگ‌ترین اختلال تاریخ در تجارت جهانی نفت و گاز شده است. این آژانس افزود: اگر دولت‌ها در واکنش به این وضعیت، اقداماتی نظیر برقی‌سازی، افزایش بهره‌وری و تغییر نوع سوخت مصرفی را تسریع کنند، تقاضای جهانی برای نفت ممکن است تا سال ۲۰۳۵، بیش از چهار درصد کاهش یابد. براساس گزارش رویترز، تحلیلگران و معامله‌گران می‌گویند با تشدید حملات اوکراین به پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های صادراتی روسیه، ممکن است تولید نفت خام این کشور بار دیگر کاهش یابد. خبرگزاری رویترز روز چهارشنبه گزارش کرد که حملات پهپادی اوکراین از اواخر ماه اکتبر، حجم کل نفت خام پالایش‌شده در پالایشگاه‌های روسیه را ۴۵ درصد کاهش داده است. همچنین روز پنجشنبه، ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، اظهار کرد: مسکو در پاسخ به حمله اوکراین به پل متصل کننده روسیه و کریمه - که سومین حمله در نوع خود طی هفته جاری بود - واکنشی شدید نشان خواهد داد. او همچنین اعلام کرد که دیگر هیچ‌گونه طرحی برای توقف حملات به بخش‌های انرژی و کشتیرانی را مد نظر ندارد.

خبر

اصلاح ناترازی انرژی با شوک قیمتی ممکن نیست

عضو کمیسیون انرژی مجلس، راهکار مدیریت ناترازی انرژی را اصلاح تدریجی قیمت‌گذاری و حمایت از مصرف‌کنندگان دانست. به گزارش تسنیم، مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در کارگاه انرژی پیشگامان پیشرفت که به همت بسیج دانشجویی در دانشگاه تهران برگزار شد، گفت: ورودی انرژی ایران معادل حدود ۸ میلیون بشکه نفت خام در روز است؛ رقمی که مجموع نفت، گاز و سهم محدودی از انرژی هسته‌ای و خورشیدی را دربرمی‌گیرد. این انرژی پس از ورود به زنجیره تولید و تبدیل، میان بخش‌های مختلف توزیع می‌شود و در نهایت به مصرف‌کنندگان خانگی، صنعتی، نیروگاهی و سایر بخش‌ها می‌رسد. وی با اشاره به مسیر حرکت انرژی از مرحله تولید تا مصرف نهایی توضیح داد: بخشی از گاز وارد نیروگاه‌ها می‌شود و بخشی از نفت نیز در پالایشگاه‌ها به فرآورده تبدیل می‌شود. در این مسیر، بخشی از انرژی صادر می‌شود و بخشی دیگر به دلایلی مانند تلفات انتقال، بازدهی پایین نیروگاه‌ها و صنایع، نشتی، قاچاق و سرقت از دست می‌رود. در انتهای این زنجیره نیز بخش‌های مختلف مصرف، از جمله بخش خانگی، صنایع عمده، صنایع کوچک و اداری و نیروگاه‌ها قرار دارند. عضو کمیسیون انرژی مجلس با بیان اینکه سهم مصرف بخش‌های مختلف باید با درنظرگرفتن دوره زمانی و شرایط آب‌وهوایی بررسی شود، افزود: به‌طور میانگین، سهم بخش خانگی از مصرف نهایی انرژی حدود یک‌سوم است. البته در فصل زمستان، به‌دلیل افزایش مصرف گاز خانگی، این سهم بیشتر می‌شود. صنایع عمده نیز سهم قابل توجهی از مصرف دارند و نیروگاه‌ها هم در کنار این بخش‌ها، از مصرف‌کنندگان اصلی انرژی هستند. شریعتی ادامه داد: در کنار بررسی سهم مصرف‌کنندگان، باید به میزان انرژی ازدست‌رفته نیز توجه کرد. برآوردها نشان می‌دهد حدود یک‌سوم از ورودی انرژی کشور، در مراحل مختلف تولید، انتقال و مصرف، به‌دلیل تلفات و بازدهی پایین از بین می‌رود. در حالی که در برخی بخش‌ها، از جمله نیروگاه‌ها و بعضی صنایع، میانگین بازدهی در حدود ۳۸ تا ۴۰ درصد است، بخش قابل توجهی از انرژی اولیه به محصول یا خدمت نهایی تبدیل نمی‌شود. وی با طرح این پرسش که برای اصلاح شدت مصرف انرژی چه باید کرد، اقتصاد انرژی و نحوه قیمت‌گذاری را از موضوعات اساسی این حوزه دانست و گفت: در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، چه در سطح خانوار، چه در بنگاه و کارخانه و چه در سطح دولت، هزینه‌ها و درآمدها باید در کنار یکدیگر بررسی شوند. خانوار درآمد و هزینه خود را می‌سنجد، بنگاه هزینه تولید و قیمت محصول را محاسبه می‌کند و دولت نیز با توجه به منابع و مصارف، بودجه خود را می‌بندد. بنابراین، ناترازی مالی در هر یک از این سطوح می‌تواند بر تصمیم‌گیری و عملکرد آن بخش اثر بگذارد.

«تعادل» از پارادوکس بقا در خاورمیانه گزارش می‌دهد

خاورمیانه؛ یک جرقه تا خاموشی شیرهای آب!



در روزهای اخیر، گزارش روزنامه نیویورک تایمز مبنی بر ادعای استفاده از زیرساخت‌های آبی ایران به عنوان پوششی برای تأسیسات نظامی، بار دیگر نشان داد که چگونه «امنیت‌سازی» از زیرساخت‌های حیاتی می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای اقدامات خرابکارانه یا تهدیدهای نظامی بسترسازی کند. این سناریوی رسانه‌ای که فاقد هرگونه مستند فنی است، بیش از آنکه یک تحلیل واقع‌گرایانه باشد، بخشی از یک جنگ روانی علیه ایران است. با این حال، مساله بنیادین فراتر از این ادعاهای واهی است؛ در خاورمیانه، امنیت آب و امنیت ملی چنان درهم تنیده شده‌اند که دست زدن به چنین بازی‌های خطرناکی، نه یک «پیروزی راهبردی»، بلکه یک «انتحار دسته‌جمعی» محسوب می‌شود.

اگر قرار باشد قواعد بازی تغییر کند و تأسیسات آبی به عنوان اهداف نظامی تعریف شوند، باید پرسید: آیا کشورهای حاشیه خلیج‌فارس که در منطقه‌ای خشک و بی‌آب‌وعلف واقع شده‌اند، آمادگی رویارویی با پیامدهای آن را دارند؟ پاسخ کوتاه و قاطع «خیر» است. نگاهی به نقشه زیرساخت‌های آبی در کشورهای همسایه نشان می‌دهد که این کشورها نه تنها «آسیب‌پذیر» هستند، بلکه در یک «وابستگی مطلق» به زیرساخت‌های ساحلی به‌سر می‌برند.

عربستان سعودی به عنوان بزرگ‌ترین قدرت منطقه، علی‌رغم دارا بودن شبکه سدهای بزرگی چون «ملک فهد» (با ظرفیت ۳۲۵ میلیون مترمکعب)، «وادی حلی» و «وادی بیش»، همچنان در برابر نوسانات اقلیمی شکننده است. سد ملک فهد در استان عسیر، نه تنها نقش حیاتی در کنترل سیلاب و کشاورزی دارد، بلکه شریان حیاتی منطقه خود محسوب می‌شود. مختصات جغرافیایی این سازه‌ها (مانند سد ملک فهد در ۱۹.۶۹ درجه شمالی) برای هر ناظری در دسترس است. اگر قرار باشد منطق «نیویورک تایمزی» حاکم شود، این سازه‌های عظیم که بقای مناطق پرجمعیت جنوب غربی عربستان به آنها گره خورده، می‌توانند به راحتی در دایره محاسبات متقابل قرار گیرند.

در امارات متحده عربی، وابستگی به آب‌شیرین‌کن‌ها به یک پیوند استراتژیک با امنیت برق تبدیل شده است. تأسیساتی نظیر «آب‌شیرین‌کن فجیره» یا «طویله» در ابوظبی، نمادهای قدرت تکنولوژیک هستند، اما در عین حال «پاشنه آشیل» این کشور محسوب می‌شوند. طویله با تولید نزدیک به یک میلیون مترمکعب آب در شبانه‌روز، به تنهایی بخش بزرگی از آب شرب ابوظبی را تأمین می‌کند. ساختار یکپارچه آب و برق در فجیره به این معناست که هرگونه آسیب به این زیرساخت، نه تنها قحطی آب، بلکه خاموشی گسترده و فلج شدن فعالیت‌های اقتصادی شیخ‌نشین‌ها را در پی خواهد داشت. تکیه بر این تأسیسات در سواحل خلیج‌فارس، امارات را به‌شدت در برابر هرگونه مناقشه در آب‌های منطقه آسیب‌پذیر کرده است.

اگر از عربستان و امارات به سمت کویت و بحرین برویم، وضعیت از «آسیب‌پذیری» به «بحران بقا» تغییر می‌کند. کویت نزدیک به صددرصد آب آشامیدنی خود را از تأسیسات شیرین‌سازی مانند «الزور» و «دوحه» تأمین می‌کند. نبود منابع آب طبیعی و رودخانه‌های دایمی در این کشورها، آنها را به جزایری تبدیل کرده که تنها از طریق لوله‌های آب‌شیرین‌کن به حیات خود ادامه می‌دهند. تصور قطع شدن آب در بحرین، کشوری که به معنای واقعی کلمه بدون تأسیسات «الحد» یا «الدور» هیچ منبع آبی ندارد، به معنای خروج اجباری جمعیت از این جزیره است. مختصات این تأسیسات که به راحتی در دسترس است، نشان می‌دهد که امنیت این کشورها تا چه حد به آرامش در خلیج‌فارس وابسته است.

ادعاهای اخیر علیه ایران، در واقع تلاش برای تغییر پارادایم از «همکاری زیرساختی» به «خصومت زیرساختی» است. اما این استراتژی، همان شمشیر دولبه‌ای است که می‌تواند به‌سادگی علیه طراحان آن بازگردد. کشورهای عربی منطقه در یک دهه اخیر میلیاردها دلار صرف زیرساخت‌های ساحلی کرده‌اند که تماماً در بردِ جغرافیایی و عملیاتی یکدیگر قرار دارند. واقعیت راهبردی این است که هر نوع امنیتی‌سازی زیرساخت‌های آبی، به مثابه باز کردن جعبه پاندورا در خاورمیانه است. اگر روزی قرار باشد امنیت آبی ایران تهدید شود، توازن موجود در سراسر خلیج‌فارس به هم خواهد ریخت. هیچ سامانه دفاعی نمی‌تواند امنیتِ صددرصدی برای یک آب‌شیرین‌کن غول‌پیکر در ساحل را تضمین کند، چراکه این تأسیسات از ماهیتِ «ایستا» و «آسیب‌پذیر» برخوردارند. در پایان باید گفت؛ خاورمیانه تشنه است و نیاز به آرامش و همکاری در حوزه حکمرانی آب دارد. گزارش‌هایی از نوع آنچه نیویورک تایمز منتشر کرده، تنها با هدف ایجاد تفرقه و ترویج خشونت نوشته شده‌اند. همسایگان جنوبی ایران باید بدانند که امنیت آنها به‌شدت به امنیتِ کلی این پهنه آبی وابسته است. بازی با کارتِ «امنیت زیرساخت»، برنده‌ای ندارد، چراکه در این بیابانِ تشنه، هرگونه تخریب زیرساخت‌های آبی، منجر به فجایع انسانی خواهد شد که دود آن قبل از هر کس، به چشم ساکنان سواحل خلیج‌فارس خواهد رفت. خاورمیانه در آستانه دوره‌ای جدید است؛ دوره‌ای که در آن «آب» بیش از «نفت» می‌تواند تعیین کننده صلح یا جنگ باشد. عقلانیت حکم می‌کند که از امنیتی‌سازی سازه‌های حیاتی پرهیز شود تا طعم تلخِ یک «آخرالزمان آبی» را تجربه نکنیم.

تصویب لایحه مهم برای اصلاح صدور مجوزهای حوزه انرژی در امریکا



سنای امریکا، لایحه مهمی را تصویب کرد که هدف آن تسهیل احداث خطوط لوله، خطوط انتقال برق و سایر زیرساخت‌های کلیدی انرژی است و این مصوبه اکنون به مجلس نمایندگان ارسال شده است.

به گزارش ایسنا، قانون‌گذاران امریکا روز پنجشنبه ۱۹ نوامبر، با ۶۲ رای موافق در برابر ۳۳ رای مخالف، این طرح را برای بازنگری اساسی در فرآیند فدرال صدور مجوزها تصویب کردند. این لایحه ۵۰۰ صفحه‌ای که حاصل هفته‌ها بحث و گفت‌وگو است، نتیجه یک توافق دوحزبی محسوب می‌شود که با مشارکت کاخ سفید تدوین شده است. این رای‌گیری گامی رو به جلو و کم‌سابقه در تلاش‌های چندین ساله برای تسریع در فرآیند پیچیده و تودرتوی فدرال برای تایید پروژه‌های بزرگ است؛ پروژه‌هایی که برای نوسازی شبکه‌های برق، احداث مراکز داده هوش مصنوعی و احیای توسعه انرژی‌های پاک ضروری هستند. این لایحه هم از سوی صنعت نفت و گاز و هم از جانب گروه‌های فعال در حوزه انرژی پاک حمایت می‌شود، اما بسیاری از سازمان‌های بزرگ زیست‌محیطی با آن مخالف هستند. این طرح اکنون به مجلس نمایندگان می‌رود؛ جایی که مایک جانسون، رییس مجلس و از حامیان این ابتکار، پیش‌بینی کرده است که آرای لازم برای تصویب آن را در اختیار دارد. با این حال، اعضایی از هر دو حزب، از جمله جفریس (رهبر اقلیت)، اعلام کرده‌اند که خواهان اعمال تغییراتی در این لایحه هستند. برخی از جمهوری‌خواهان، از جمله «چیپ روی» -مسوول سیاست‌گذاری در «فراکسیون آزادی» که گروهی فوق محافظه‌کار است- در حمایت خود تردید کرده و گفته‌اند که نسبت به مفاد مربوط به انتقال برق در این قانون نگرانی‌هایی دارند. در همین حال، برخی دموکرات‌های ترقی‌خواه نیز مخالفت خود را با نسخه سنای این لایحه ابراز کرده و استدلال می‌کنند که این طرح موجب تضعیف قوانین زیست‌محیطی خواهد شد. بروس وسترمن، رییس کمیته منابع طبیعی مجلس نمایندگان، روز پنجشنبه اظهار کرد: بعید می‌داند پیش از پایان دوره کنگره در اواخر دسامبر، فرصتی برای اعمال تغییرات در این لایحه وجود داشته باشد. این لایحه، در میان سایر قوانینی که نزد طرفداران محیط زیست بسیار مقدس و غیرقابل تغییر تلقی می‌شوند، برای بررسی‌های دولتی تحت «قانون ملی سیاست زیست‌محیطی» (NEPA) مهلت‌های زمانی تعیین می‌کند. همچنین این طرح، مراکز داده را به پرداخت میلیاردها دلار برای هزینه‌های شبکه برق خود ملزم می‌کند و توانایی آژانس‌های فدرال را برای لغو مجوز پروژه‌هایی که در حال بهره‌برداری یا در دست ساخت هستند، محدود می‌کند. گروه‌های محیط‌زیستی استدلال می‌کنند که اقدامات پیشنهادی، اختیارات دولت ترامپ را برای تسریع در تصویب مراکز داده و پروژه‌های حفاری نفت و گاز طبیعی گسترش می‌دهد. همچنین قبایل بومی امریکا که می‌گویند این قانون حاکمیت آنها را تضعیف می‌کند و برخی دموکرات‌ها معتقدند زمانی که در سال ۲۰۲۷ کنترل هر دو مجلس کنگره را در دست گرفتند، باید دوباره آن را بررسی کنند. براساس گزارش بلومبرگ، کنگره سال‌هاست که برای ساده‌سازی یا اصلاح سیستم صدور مجوز فدرال در حوزه انرژی تلاش می‌کند.

مقایسه سرانه مصرف نفت در میان مناطق جهان خاورمیانه در تعقیب امریکای شمالی!

اگر مصرف نفت جهان را به تعداد بشکه‌هایی که به ازای هر نفر استفاده می‌شود تقسیم کنیم، امریکای شمالی با فاصله‌ای چشمگیر از سایر مناطق جهان پیشتاز خواهد بود؛ منطقه‌ای که سهم هر نفر از مصرف سالانه نفت در آن به بیش از ۲۲ بشکه می‌رسد.

به گزارش ایسنا، وب‌سایت ویژوال کپیتالیست (Visual Capitalist)، بر پایه داده‌های «گزارش بررسی انرژی جهان ۲۰۲۶» شرکت انرژی اِنی، به بررسی میزان مصرف سرانه نفت در مناطق متعدد جهان در سال ۲۰۲۵ پرداخته است؛ آماری که تصویری متفاوت از الگوی مصرف انرژی در جهان ارایه می‌دهد. براساس این داده‌ها، امریکای شمالی با مصرف سرانه ۲۲.۱۴ بشکه نفت در سال، رکورددار مصرف در میان هفت منطقه اصلی جهان است. این رقم تقریبا پنج برابر میانگین جهانی ۴.۶۶ بشکه به ازای هر نفر است. اما چه چیزی امریکای شمالی را تا این اندازه وابسته به نفت کرده است؟ بخش مهمی از پاسخ را باید در سبک زندگی و ساختار حمل‌ونقل امریکای شمالی جست‌وجو کرد. فاصله‌های طولانی میان شهرها، وابستگی گسترده به خودروهای شخصی، مصرف سوخت در حمل‌ونقل جاده‌ای و فعالیت گسترده صنعت هوانوردی، تقاضای نفت را در این منطقه افزایش داده است. در کنار این عوامل، صنایع بزرگ و شبکه گسترده جابه‌جایی کالا نیز به بالا ماندن مصرف کمک می‌کنند. در رتبه دوم، خاورمیانه قرار دارد؛ منطقه‌ای که با مصرف ۱۱.۶۸ بشکه به ازای هر نفر، فاصله قابل توجهی با امریکای شمالی به عنوان صدرنشین این رتبه‌بندی دارد، اما خاورمیانه همچنان بیش از دو برابر میانگین جهانی نفت مصرف می‌کند. فعالیت گسترده صنایع پتروشیمی، حمل‌ونقل، صنایع وابسته به انرژی و قیمت نسبتاً پایین سوخت در برخی کشورهای منطقه، از جمله عواملی هستند که بر میزان تقاضای نفت تأثیر می‌گذارند. پس از خاورمیانه، اروپا با ۷.۷۵ بشکه و روسیه و آسیای مرکزی با ۶.۶۹ بشکه در جایگاه‌های سوم و چهارم قرار گرفته‌اند. امریکای مرکزی و جنوبی نیز با مصرف ۴.۸۵ بشکه، کمی بالاتر از میانگین جهانی ایستاده است. در سوی دیگر این رقابت، آفریقا قرار دارد که با مصرف سالانه ۱.۲۴ بشکه به ازای هر نفر، کمترین میزان مصرف سرانه نفت را به خود اختصاص داده است. این رقم حتی از یک‌سوم میانگین جهانی نیز کمتر است، محدودیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی، سطح پایین‌تر صنعتی‌شدن در بسیاری از کشورهای این قاره و مالکیت کمتر خودرو از جمله عواملی هستند که در پایین بودن این شاخص نقش دارند. آسیا و اقیانوسیه نیز با مصرف ۳.۲۷ بشکه به ازای هر نفر در جایگاه ششم قرار گرفته است. این منطقه با وجود برخورداری از اقتصادهای صنعتی بزرگی مانند چین، ژاپن و کره جنوبی، به‌دلیل جمعیت بسیار زیاد و تفاوت گسترده میان کشورهای عضو، میانگین سرانه پایین‌تری دارد.

اما وقتی از مناطق به کشورهای جهان می‌رسیم، نتیجه حتی جالب‌تر می‌شود. سنگاپور با مصرف ۹۳.۶۳ بشکه نفت به ازای هر نفر در سال، در صدر رتبه‌بندی سرانه مصرف نفت قرار گرفته است؛ رقمی که بیش از چهار برابر مصرف سرانه امریکای شمالی است، اما البته این آمار به معنای مصرف مستقیم چنین حجمی از نفت توسط هر شهروند سنگاپوری نیست. جایگاه این کشور تا حد زیادی تحت تأثیر فعالیت‌های گسترده پالایشگاهی، تجاری و حمل‌ونقل بین‌المللی قرار دارد. کوراسائو نیز با ۸۴.۴۱ بشکه در رتبه دوم ایستاده است. در میان کشورهای خاورمیانه هم قطر، کویت، امارات متحده عربی و عربستان سعودی در فهرست ۱۰ کشور نخست قرار دارند.

یکی از نکات قابل توجه این گزارش، تفاوت میان مصرف کل و مصرف سرانه نفت است. برای نمونه، ایالات متحده با وجود اینکه بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت جهان از نظر حجم کل محسوب می‌شود، در رتبه‌بندی سرانه کشورها جایگاه یازدهم را دارد. کانادا نیز با مصرف ۲۲.۵۳ بشکه به ازای هر نفر، اندکی بالاتر از امریکا با ۲۲.۱۰ بشکه قرار گرفته است، این تفاوت نشان می‌دهد که برای سنجش میزان وابستگی کشورها به نفت، تنها بررسی حجم کل مصرف کافی نیست. جمعیت، ساختار اقتصادی، صنایع، الگوی حمل‌ونقل و حتی نقش کشورها در تجارت جهانی نفت، همگی می‌توانند تصویر متفاوتی از میزان مصرف انرژی ارایه دهند. آمارهای این گزارش یک واقعیت مهم را نشان می‌دهند: در دنیای امروز، میزان مصرف نفت فقط به تعداد خودروها یا جمعیت کشورها وابسته نیست، بلکه شیوه زندگی، ساختار اقتصاد و جایگاه هر کشور در زنجیره تولید و تجارت جهانی انرژی نیز در تعیین میزان مصرف آن نقش اساسی دارد.

مدیرعامل بورس انرژی ایران: امکان معامله نفت خام در بورس انرژی برای مردم

مدیرعامل بورس انرژی ایران از فراهم شدن زمینه مشارکت مردم در معاملات اوراق نفت خام خبر داد و اعلام کرد که با صدور گواهی‌های مربوط از سوی شرکت ملی نفت ایران و ابلاغ آیین‌نامه دولت، پالایشگاه‌ها و مشتریان داخلی و خارجی می‌توانند از این مسیر جدید برای خرید نفت خام استفاده کنند. به گزارش ایسنا، توسعه معاملات نفت خام و فراهم کردن امکان سرمایه‌گذاری عمومی در این بازار، از جمله برنامه‌های مورد توجه بورس انرژی ایران است؛ بازاری که با معرفی ابزارهای مالی جدید، به دنبال ایجاد مسیرهای متنوع‌تر برای تأمین مالی و فروش حامل‌های انرژی است.

محمد نظیفی، مدیرعامل بورس انرژی ایران اخیر درباره چگونگی مشارکت مردم در معاملات نفت خام توضیح داد: شهروندانی که تمایل به سرمایه‌گذاری در بورس انرژی و اوراق آن دارند، می‌توانند با دریافت کد سجام و کد سهامداری و مراجعه به کارگزاری‌ها به معاملات اوراق دسترسی پیدا کنند. به گفته وی، برای سرمایه‌گذاری در این اوراق از نظر حجم معاملات حداقل مشخصی در نظر گرفته نشده است، هرچند خرید نفت خام با هدف تحویل فیزیکی، شرایط و الزامات خاص خود را خواهد داشت. نظیفی با اشاره به سازوکار پیش‌بینی‌شده برای عرضه نفت خام افزود: شرکت ملی نفت ایران اقدام به صدور گواهی اوراق می‌کند و این اوراق می‌تواند از سوی پالایشگاه‌ها و مشتریان داخلی و خارجی خریداری شود. به این ترتیب، مسیر جدیدی برای فروش نفت خام شکل خواهد گرفت. مدیرعامل بورس انرژی ایران البته اجرای این برنامه را منوط به ابلاغ آیین‌نامه دولت دانست و ابراز امیدواری کرد با حمایت وزارت اقتصاد و سازمان بورس و اوراق بهادار، مقدمات اجرای آن در کوتاه‌ترین زمان فراهم شود.

بر این اساس یکی از مهم‌ترین وجوه این طرح، فراهم شدن امکان دسترسی سرمایه‌گذاران خرد به ابزارهای مالی مرتبط با نفت خام است؛ موضوعی که در صورت نهایی شدن سازوکار اجرایی، می‌تواند دامنه مشارکت عمومی در بازار انرژی را گسترش دهد. البته باید میان سرمایه‌گذاری در اوراق نفت خام و خرید فیزیکی این محصول تفاوت قائل شد، چراکه تحویل فیزیکی تابع ضوابط و شرایط جداگانه‌ای است. در کنار توسعه ابزارهای معاملاتی، تقویت زیرساخت‌های فناوری نیز در دستور کار بورس انرژی قرار دارد. در همین راستا، فاز سوم سامانه دیبا با هدف تسهیل ارتباط برخط و شفاف با ذی‌نفعان این بازار رونمایی شد. مدیرعامل بورس انرژی ایران با اشاره به اهداف این سامانه گفت: دیبا با خودکارسازی کانال‌های ارتباطی و رابط‌های کاربری بورس انرژی با ذی‌نفعان، به دنبال کاهش مکاتبات اداری، کوتاه‌شدن زمان انجام فرآیندها و ایجاد شفافیت در نحوه رسیدگی به درخواست‌های کارگزاران و فعالان بازار است. هادی صالحی، سرپرست فناوری اطلاعات بورس انرژی ایران نیز با اشاره به اقدامات انجام‌شده در فاز سوم این سامانه، از توسعه فرآیند پذیرش دیجیتال و گردش کار و همچنین بازنگری در معماری نرم‌افزاری و امنیت سامانه خبر داد. به گفته وی، با توجه به دسترسی ذی‌نفعان به این سامانه، ملاحظات امنیتی از محیط توسعه و مدیریت کد منبع تا مراحل پیاده‌سازی و پشتیبان‌گیری مورد بازنگری قرار گرفته و الزامات پدافند غیرعامل نیز در طراحی آن لحاظ شده است. در همین زمینه، حسن رضایی‌پور، دبیر کل کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار، با تقدیر از اقدامات بورس انرژی ایران در توسعه زیرساخت‌های فناوری، اظهار کرد: طی ماه‌های اخیر ابزارهای متنوعی در بورس انرژی معرفی شده که به دنبال آن، حجم فعالیت شرکت‌های کارگزاری، بورس انرژی و سایر ارکان بازار افزایش یافته است. وی تأکید کرد که گسترش فعالیت‌ها و ورود ابزارهای جدید، استفاده از فناوری و توسعه زیرساخت‌های متناسب را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. رضایی‌پور همچنین از تلاش بورس انرژی برای توسعه همزمان محصولات مالی و زیرساخت‌های مورد نیاز قدردانی کرد و ابراز امیدواری کرد ذی‌نفعان بازار بتوانند از ظرفیت ابزارهای جدید به بهترین شکل استفاده کنند.

تحولات اخیر بورس انرژی را می‌توان در دو مسیر مکمل ارزیابی کرد؛ از یک‌سو، توسعه ابزارهایی مانند اوراق مرتبط با نفت خام برای ایجاد مسیرهای جدید فروش و گسترش مشارکت سرمایه‌گذاران و از سوی دیگر، تقویت زیرساخت‌های دیجیتال و امنیتی برای تسهیل فعالیت فعالان بازار. با این حال، اجرای معاملات اوراق نفت خام همچنان در انتظار تکمیل الزامات و ابلاغ آیین‌نامه اجرایی دولت قرار دارد.

دریچه

نسخه صنعت برق برای عبور از خاموشی زمستانی

سخنگوی صنعت برق با اشاره به آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های گاز و دشواری تأمین سوخت نیروگاه‌ها در زمستان امسال از طراحی ۶۰ اقدام عملیاتی برای عبور از دوره سرد سال خبر داد و گفت: با حدود ۲۰ درصد صرفه‌جویی در مصرف گاز و برق و تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها می‌توان احتمال اعمال محدودیت انرژی را به میزان قابل توجهی کاهش داد. احسان ذبیح‌زاده، سخنگوی صنعت برق کشور در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت ذخایر سوخت نیروگاه‌ها و احتمال بروز محدودیت برق در زمستان امسال اظهار کرد: آمادگی لازم از جنبه‌های مختلف زنجیره تأمین برق از تولید در نیروگاه‌ها تا انتقال و شبکه توزیع متناسب با فصل زمستان همانند سال‌های گذشته در حال انجام است، اما امسال به دلیل شرایط خاص حوزه انرژی با وضعیت متفاوتی مواجه هستیم. وی با بیان اینکه کشور طی چند سال گذشته در فصل زمستان با ناترازی مزمن گاز و در تابستان با ناترازی برق مواجه بود، افزود: در زمستان از نظر ظرفیت تولید برق مشکلی نداریم برای مثال میزان تقاضای مصرف برق در تابستان امسال به حدود ۷۵ هزار مگاوات رسید، در حالی که این رقم در زمستان حدود ۴۷ تا ۴۸ هزار مگاوات است. بنابراین در فصل سرد سال مشکل ظرفیتی برای تأمین برق نداریم چراکه توان تأمین برق بسیار فراتر از میزان نیاز مصرف است. سخنگوی صنعت برق ادامه داد: اما وابستگی قابل توجهی به گاز در تولید برق داریم، به‌طوری که حدود ۷۰ درصد تولید برق کشور در طول سال بر پایه سوخت گاز تأمین می‌شود. نیروگاه‌های حرارتی کشور هم سوخت اصلی‌شان گاز است، البته برای شرایطی که در تأمین گاز محدودیت ایجاد شود یا نیروگاه با مشکل مواجه شود، سوخت دوم نیز برای افزایش قابلیت اطمینان در نظر گرفته شده است. ذبیح‌زاده با اشاره به اینکه سوخت دوم نیروگاه‌های گازی و سیکل ترکیبی گازوییل و سوخت دوم نیروگاه‌های بخاری مازوت است که سهم بسیار پایینی در سبد تولید برق دارند، گفت: وابستگی نیروگاه‌های حرارتی به گاز و محدودیت‌هایی که در روزهای سرد سال برای تأمین گاز نیروگاه‌ها اعمال می‌شود سبب می‌شود در شرایط محدودیت ناچار به استفاده از سوخت مایع شویم. وی با اشاره به شرایط خاص امسال در حوزه تأمین سوخت اظهار کرد: امسال در مقایسه با سال گذشته شرایط متفاوتی داریم، چراکه ناترازی مزمن گاز با آسیب‌هایی که به زیرساخت‌های گازی کشور به‌ویژه در بخش تولید گاز وارد شده تشدید می‌شود. در حملاتی که در اواخر اسفندماه به پالایشگاه گازی انجام شد، ظرفیت قابل توجهی از توان تولید گاز کشور آسیب دید و این موضوع محدودیت تأمین گاز در دوره سرد سال ۱۴۰۵ را تشدید می‌کند. سخنگوی صنعت برق افزود: طبیعتاً نیروگاه‌ها به عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های مصرف‌کننده گاز در کشور تحت‌تأثیر این کمبود قرار می‌گیرند. حتی در هفته گذشته و با سرمایی که در اغلب نقاط کشور تجربه شد، تأمین گاز نیروگاه‌ها با محدودیت بسیار زیادی مواجه بود، به گونه‌ای که ناچار شدیم به سمت استفاده از سوخت مایع برویم و بخش قابل توجهی از ذخایری که برای دوره سرد سال در مخازن نیروگاهی پیش‌بینی شده بود مصرف شد. ذبیح‌زاده با مقایسه وضعیت ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌ها با سال گذشته تصریح کرد: ذخیره سوخت مایع کنونی نسبت به سال قبل کمتر است، اما با مخازن جدیدی که ساختیم سرجمع بیش از یک میلیارد لیتر ظرفیت ذخیره‌سازی همچنان باقیمانده که اگر پر شوند کمک قابل توجهی در آمادگی کامل برای ورود به دوره سرد سال خواهد بود. وی با بیان اینکه دوره اصلی سرما معمولاً از اوایل آذرماه آغاز می‌شود و از نیمه آذر تا نیمه بهمن به اوج خود می‌رسد، گفت: براساس تکالیف تعیین‌شده میزان ظرفیت مخازن نیروگاهی را نیز نسبت به سال گذشته افزایش چشمگیری داده‌ایم و حدود ۴۰۰ میلیون لیتر به ظرفیت مخازن نیروگاهی اضافه شده است تا امکان ذخیره‌سازی بیشتری برای ورود به فصل سرد فراهم شود.

ادامه از صفحه اول

نسخه بورسی برای مهار تورم

بر همین اساس، ظرفیت قابل توجهی برای افزایش ارزش بازار سرمایه ایران وجود دارد. اگر بسترهای لازم فراهم شود، بازار سهام می‌تواند به بازاری با ارزش حدود ۴۰۰ میلیارد دلار تبدیل شود. همچنین این ظرفیت وجود دارد که سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار از دارایی‌های تحت تصدی دولت، از طریق بازار سرمایه به بخش خصوصی و عموم سرمایه‌گذاران واگذار شود. چنین حجمی از واگذاری‌ها می‌تواند هم منابع قابل توجهی برای دولت ایجاد کند و هم با هدایت نقدینگی به سمت دارایی‌های مولد، به کاهش فشارهای تورمی کمک کند. نکته دیگری که نباید در فرآیند خصوصی‌سازی نادیده گرفته شود، وضعیت عملکرد شرکت‌های دولتی است. بسیاری از این بنگاه‌ها به دلیل ساختار مدیریتی و محدودیت‌های ناشی از مالکیت دولتی، با هزینه‌های بالا و بهره‌وری پایین مواجه هستند. در چنین شرایطی، واگذاری این شرکت‌ها می‌تواند علاوه بر تامین منابع مالی برای دولت، زمینه بهبود مدیریت و افزایش کارایی آنها را فراهم کند. از سوی دیگر، شرکت‌هایی که پس از واگذاری به بنگاه‌های خصوصی کارآمدتری تبدیل می‌شوند، می‌توانند در سال‌های آینده درآمدهای مالیاتی بیشتری نیز برای دولت ایجاد کنند. به این ترتیب، دولت علاوه بر درآمد حاصل از فروش دارایی‌ها، از محل فعالیت اقتصادی شرکت‌های تخصصی شده نیز منتفع خواهد شد. البته تحقق این چشم‌انداز به فراهم شدن پیش‌نیازهای اساسی وابسته است. کنترل تورم، بازگشت اعتماد و اعتبار به بازار سرمایه، حذف قیمت‌گذاری دستوری، کاهش مداخلات غیرکارشناسی در صنایع، پرهیز از تصمیمات ناگهانی و شوک‌آور، ثبات در سیاست‌های کلان اقتصادی و بودجه‌ریزی صحیح، از جمله عواملی هستند که می‌توانند مسیر توسعه بازار سرمایه و موفقیت برنامه‌های واگذاری را هموار کنند. واگذاری دارایی‌های دولت از طریق بورس اقدامی مثبت و ضروری است، اما موفقیت آن به نحوه اجرا و کیفیت سیاستگذاری بستگی دارد. اگر دولت صرفا با هدف تامین کسری بودجه به سراغ فروش دارایی‌های خود برود، بدون آنکه اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند و بستر مناسبی برای فعالیت بخش خصوصی فراهم آورد، نمی‌توان انتظار داشت این واگذاری‌ها به نتایج پایدار منجر شوند. در مقابل، اگر خصوصی‌سازی واقعی، ارزش‌گذاری منصفانه، ثبات اقتصادی و کاهش مداخلات دولتی به صورت همزمان دنبال شوند، بازار سرمایه می‌تواند به یکی از مهم‌ترین ارکان تامین مالی اقتصاد ایران تبدیل شود؛ بازاری که هم امکان تامین سالانه ده‌ها میلیارد دلار منابع از محل واگذاری دارایی‌های دولت را دارد و هم می‌تواند با تقویت فعالیت‌های مولد، کاهش وابستگی به نظام بانکی و هدایت نقدینگی، در مسیر کنترل تورم و رشد اقتصادی نقش آفرینی کند.